

## کی جی بی در افغانستان



### قسمت هشتم

#### کودتای دسمبر

ناکامی در راندن امین از صحنه به غرور بزرگان کریملین و کی جی بی سخت برخورد. شخصیت امین در هیچگونه قالب معمول رهبر یک کشور دوست نمی گنجد و آنها از چرخش غیرمنتظره اوضاع خوف داشتند. اقامتگاه کی جی بی می پنداشت که بیشترین اعضای دفتر سیاسی، منشی های کمیته مرکزی، اعضای شورای انقلابی و حکومت – برخی از روی اعتقاد، برخی از ناگزیری و برخی نیز از سستی و بی ارادگی – طرفدار امین بودند. در شورای انقلابی ۲۲ عضو طرفدار امین، ۶ عضو دو دل و پله بین، ۷ عضو مخالف و ۶ عضو متخاصم وجود داشت و موضعگیری ۶ عضو باقیمانده مبهم و ناروشن بود. اما در رده های بالایی و میانین رژیم نارضایتی از امین اکنون دیگر آشکار بود. اعضای حزب که در حوادث ۱۳ تا ۱۶ سپتمبر سهم گرفته بودند گله داشتند که به هیچ گرفته شده و امین ارزش سهمگیری فعال شان را ندانسته است. یکی از آنانی که دل خوش نداشت جگرن علی شاه پیمان قوماندان جزواتم های وزارت امور داخله بود. یکی دیگر، نورآغا روئین<sup>۱</sup> معاون ریاست کام<sup>۲</sup> از مقامش سبکدوش گردید و در همه جا ازینکه به کمیته مرکزی حزب ارتقا نکرده بود شکوه سر می داد. امین به رسانه های جمعی افغانستان هدایت داد تا لحن تند نشرات شان علیه امپریالیزم و پاکستان را کاهش دهند. نزدیکترین همراهان گرد و پیش امین او را تشویق می کردند تا در برابر ایالات متحده و سایر کشور های غربی موضعگیری معقولتری اتخاذ نماید. در ماه اکتوبر مواصلت یک هواپیمای مسافربری دی سی ۱۰ به فرودگاه کابل که از تولید کننده امریکایی آن برای شرکت هواپیمایی آریانا خریداری گردیده بود در رسانه های خبری با خروش زیاد بازتاب داده شد.

امین در طول ماه سپتمبر وضعیت موجود در کشور را بطرز ماهرانه بی بکار بست تا به سرعت بر مخالفین خود ضربه خورد کننده وارد آورده و تره کی را از عرصه سیاسی کشور بدر سازد. مقامات کلیدی به کسانی

<sup>۱</sup> در اصل «نوراچ روئین» (Nurach Ruin) آمده است که یقیناً اشتباه آشکار است چون چنین نامی در بین افغان ها وجود ندارد، اما با اندکی دقت و با در نظر داشت اینکه در جایی در نسخه انگلیسی «بغمان» به شکل «Pachman» نوشته شده است، میتوان گمان برد که شکل درست نام معاون ریاست کام (استخبارات رژیم امین) باید «نورآغا روئین» بوده باشد ولی ازینکه چنین شخصی در آن زمان معاون ریاست کام بود اینجانب آگاهی ندارم. از خوانندگان گرامی ای که درین زمینه معلومات داشته باشند تقاضای مدد و همکاری دارم. – برگرداننده

<sup>۲</sup> پس از کودتای ماه سپتمبر علیه تره کی، دولت حفیظ الله امین نام بدنام «اگسا» را به «کارگرانو امنیتی مؤسسه (کام)» مبدل نمود – برگرداننده

سپرده شد که وفاداری شخصی به امین داشتند. کارزار تبلیغاتی برای بدنام ساختن تره کی و طرفدارانش بمثابة دشمنان انقلاب و همدستان امپریالیزم راه انداخته شد.

عزیز احمد اکبری که برادر زاده سروری بود در جلسات مخفی و علنی مخالفین امین شرکت می کرد. بعدها آشکار شد که وی مخبر امین بود و همه آنچه را درین جلسات گفته می شد به امین گزارش می داد. امین در طی ملاقات های خود با نمایندگان شوروی کوشش می کرد تا فضای باز و روحیه تفاهم بوجود آورد بنابراین آمادگی خود برای پذیرش و پیروی از همه پیشنهادات و خواسته های شوروی ها را ابراز می داشت. این کار به او فرصت می داد تا موضع خود را مستحکم ساخته و پنهانی حساب کسانی را که سد راهش می شدند برسد. با در نظر داشت موضعگیری ای که شوروی ها در قبال تره کی و طرفدارانش داشتند امین کوشش کرد تا بزودترین فرصت ممکنه از شر تره کی خود را رها سازد و امکان اقدامات ناخواسته از جانب مخالفین خود را خنثی سازد. وی جهت تثبیت موضعگیری واقعی رهبری شوروی در برابر خود به اقدامات مختلفی متوسل شد.

اقامتگاه و نمایندگی کی جی بی در کابل ادعا داشتند که امین در پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و در جلسه اضطراری شورای انقلابی بروز ۱۶ سپتمبر تصویر نادرستی از موضع شوروی داده و چنان وانمود ساخته بود که گویا جانب شوروی در برابر براندازی تره کی از مقاماتش روی دلایل صحی اعتراضی نخواهد داشت. میزان اعتماد و صراحت ماموران دولت در گفت و شنودهایشان با مشاورین شوروی نظر به سابق کمتر شده بود. نشانه های آنتی سوویتیزم (ضدیت با شوروی) دیده می شد و حضور امریکایی ها از دیداد یافته بود.

اسدالله امین رئیس کام ناخشنودی خود را پنهان نمی کرد ازینکه اتحاد شوروی باوجود آنکه همسایه دیوار به دیوار جمهوری دموکراتیک افغانستان بود و مرز مشترکی هم با آن داشت مواد امدادی و کمک های نظامی کمتری در مقایسه به کیوبا و ویتنام به آن می داد. وی در عرصه جهانی عقب نشینی سنگر به سنگر اتحاد شوروی در برابر امپریالیزم جهانی را نکوهش کرده می گفت که رهبری شوروی هیچگاه وضعیت سیاسی جهان را بصورت درست و دقیق درک نمی کرد و کسانیکه قدرت عالی نهایی را در اتحاد شوروی بدست داشتند پیر و فرتوت شده بودند.

وضعیت عملیاتی پس از صعود امین به قدرت با نکات ذیل مشخص می شد:

۱- ازدیاد کلی در حادثات ضد شوروی. افغان ها اکنون آشکارا می گفتند که پس از انقلاب ۱۹۷۸ افغانستان «بدون ماشیندار، راکت و تانک روسی بخوبی از عهده کار خود بدر می آید. افغان ها به سوسیالیزم مفلوک روسی و سیاست های آن نیازی ندارند».

۲- هدف گیری سیاسی اتباع شوروی به امر مستقیم شخص امین و فشار تدریجی بر کارشناسان روسی برای استفاده از آنها جهت رساندن معلومات نادرست به ماسکو از طریق مجاری غیر رسمی با گذشتن از کنار مجاری سفارت و رهبران سائر شعبات.

۳- گردآوری، به دوران اندازی و تحلیل و تجزیه مواد بدنام سازنده و لطمه آور در ارتباط شهروندان اتحاد شوروی که در افغانستان مصروف کار بودند. این وظیفه به ارگان های کام و وزارت امور داخله سپرده شده بود.

۴- تلاشی های پنهانی و زیر نظر گیری شهروندان شوروی، تهدید ها و شانناژها

اقامتگاه کی جی بی این سیاهه را در ماه اکتوبر تدوین کرد (درینجا یک سطر حذف گردیده است).

درین آوان به مرکز کی جی بی اطلاع رسید که گردهمایی اعضای دودمان امین<sup>۳</sup> در ماه اکتوبر در پغمان دایر گردید. درین گردهمایی به امین گفته شد تا در مورد آینده دودمان خود جدی بیندیشد و مسئولیت و بهروزی آینده آنرا مد نظر داشته باشد. از او خواسته شد تا «حزب بازی» خود را بس کند و در آینده تنها خویشاوندان و همبیاران خود را به مقامات دولتی بگمارد، زیرا هیچکس جاویدان زنده نیست و همینکه امین از زندگی چشم ببوشد دشمنان

<sup>۳</sup> دودمان امین از تبار پشتون است. پشتون ها شجره نسب فاخر خود را نسل اندر نسل و سینه به سینه انتقال داده اند. بر پایه این دودمان نامه همه پشتون ها از اولاده ملک عبدالرشیدند که خود از تبار ملک طالوت (Saul) بود. ملک عبدالرشید بدست پیامبر اسلام به سلک اسلام درآمد و همه ۴۰۵ طایفه یا قبیله پشتون نسب به فرزندان ملک عبدالرشید می رسانند. پشتون ها به چهار گروه عمده سربنی، غرغبنت، کرلنی و غلزی تقسیم می گردند. (یادداشت نویسنده، ولی از نظر صحت تاریخی مورد تأمل است - برگرداننده)

دمار از روزگار قوش خواهند کشید. گزارش است که امین چنین جواب داد: «من البته طرفدار اصل رهبری دسته جمعی و رهبری حزب هستم، اما پادشاهان افغانستان قرن های متوالی کشور را بدون حزب اداره کردند. شاید من بتوانم به تنهایی خود بکمک نزدیکان و یاران وفادارم کشور را اداره کنم.»

نتیجه گیری اقامتگاه کی جی بی این بود که نشانه ها همه گواه بر آن بودند که امین آگاهانه در جهت سرنگونی و شکست انقلاب کار می کرد و در خدمت ارتجاع و امپریالیزم قرار داشت.

اظهارات سیاستمداران افغان از منابع مختلف می رسید. عبدالرحمن ابهت کاردار (شارژدافیر) مؤقت افغانستان در یوگوسلاویا در ذهن گروهی از دیپلمات ها در بلگراد در مورد سوسیالیزم نوع شوروی و انواع مختلف آن در کشور های اروپای شرقی تخم شک و تردید می کاشت. «این نمونه ها برای افغانستان قابل قبول نیستند. وابستگی افغانستان به اتحاد شوروی تنها یک گام کوتاه مدت تاکتیکی ناشی از اوضاع داخلی است. وقتی وضعیت استحکام یابد افغانستان بر امداد مؤثر کشورهای اسلامی اتکا کرده با پیروی از سرمشق مصر آشکارا در برابر حضور مشاورین شوروی در کشور بپا خواهد خاست.»

اعظم رهنورد زریاب نویسنده نامدار افغانی و مدیر مسئول مجله «هنر خلق» دستگیر و زندانی گردید. هنگامیکه رها گردید از سرگذشت زندان و شکنجه های خود سخن گفت. وی ادعا کرد که مشاورین شوروی نیز در استنطاق و شکنجه سهم داشتند. اکثریت افغان ها را باور برین بود که مامورین افغانی و مشاورین شوروی مساویانه مسئول وضع در افغانستان بودند. شوروی ها در سیاست های کفیری رژیم سهم داشته و گام بگام و شانه به شانه در سرکوب ها با افغانان همکاری داشتند. زریاب اظهار عقیده کرد که امین ۱۷۰۰۰ تن از گلهای سرسبد روشنفکران افغانی را از بین برده بود. نفرت از روس ها در بین مردم افزایش می یافت. زریاب اظهار داشت: «در حقیقت ارتش افغانستان در برابر مردم می جنگد. هواپیماها و تانک ها روستاهایی را که در آن مردمان و کارگران پاک طینت زندگی می کنند از بین برده و از بین می برند. مگر روس ها مقصر نیستند؟ افغان ها باور دارند که اگر اتحاد شوروی از امین پشتیبانی نمی کرد او نمی توانست چنین بر کشتار مردم و نابودسازی دهات از روی زمین امر دهد و برزگران و دهقانان بیگناه را زیر زنجیر های تانک خورد و خمیر سازد. هرگاه قیام علیه امین صورت گیرد، چنانکه دیر یازود باید صورت گیرد، مردمان عادی افغانستان کار روس ها را بزودی یکسره خواهند ساخت مگر اینکه تا آنوقت امین همه آنها را از کشور رانده باشد. سمتگیری عمومی اوضاع بهمین سوست. سوسیالیزم و اتحاد شوروی مفاهیمی اند که از مدت ها بدینسو در افغانستان بدنام شده اند. در حلقهات تحصیل کرده ها شنیده می شود که روس ها روشنفکران افغان را قتل عام کردند تا بتوانند کشور ما را به آسانی زیر نگین داشته باشند. برای دوستان راستین و جان فشان اتحاد شوروی هرآن دشوارتر می شود که در برابر چنین استدلالات ایستادگی کنند چون اکثریت افغانان می بینند که خط مشی رسمی اتحاد شوروی پشتیبانی از حکومت امین است.»

طرفداران تره کی بر شمار اشخاص ضد شوروی می افزودند. آنها عقیده داشتند که اتحاد شوروی و مشاورین آن کودتای امین و سرنگونی تره کی را راه گشایی کرده بودند و در تغییرات داخل حزب و دستگاه دولتی دست مستقیم داشتند. حضور مشاورین شوروی در ارتش و ارگان های امنیتی اقدام اتحاد شوروی در جهت حمایه و تقویه رژیم امین دانسته می شد. پرچمی ها به شوروی ها می گفتند: «رهبری کنونی افغانستان هر آنچه در توان دارد بکار خواهد برد تا اعتماد افغان ها به دوستی اتحاد شوروی را خدشه دار سازد. پرچمی ها موقف خود در برابر اتحاد شوروی را تغییر نداده اند. ما اتحاد شوروی را دوست راستین مردم افغانستان می دانستیم و می دانیم اما برای ما مشکل است برای مردم عادی توضیح دهیم که چرا اتحاد شوروی با رژیم امین که با همه افغان ها دشمنی می کند همکاری دارد.»

در ماه اکتوبر شورشی در فرقه هفت پیاده که در نزدیکی کابل مستقر بود رخ داد و به حمله مسلحانه گسترش یافت. افسران طرفدار تره کی در رأس شورش قرار داشتند. شورشیان شعار می دادند «زنده باد تره کی! زنده باد مارکسیزم لنینیزم!»

واقعه ذیل نمایانگر روحیه مردم است: بروز ۲۸ نومبر فیلمی در محل سکونت رسمی رئیس دولت فلمبرداری می شد. در حین فلمبرداری بیرق رژیم داؤد برافراشته شد. کسانی که در مناطق نزدیک به خانه خلق زندگی می کردند بیرق را دیدند و فکر کردند که رژیم امین سرنگون شده است. آنها از شادمانی یک دیگر را در آغوش گرفته با سروصدا بهم تبریک می گفتند.

برای سردمداران ماسکو اطلاعات رسیده از اقامتگاه کی جی بی در کابل در مورد تماس های ادعا شده میان کارمندان حکومت افغانستان و مسلمانان افراطی مخالف آن دارای اهمیت خاص بود. گفته می شد این ملاقات ها در اخیر ماه سپتمبر در ولایت لوگر صورت گرفته بود. نمایندگان مسلمانان دست راستی بخاطر اشتراک درین دیدار از پاکستان آمده بودند تا در مورد پایان بخشیدن به مبارزه مسلحانه گفتگو کنند. امین خواهان موافقت نامه یی بر پایه سازی با سران ضد انقلاب داخلی بود که بموجب آن متخصصین و مشاورین شوروی از افغانستان خارج گردند، بیرق کشور تغییر یابد و شورشیان مسلمان از زندان رها گردند. قرار گزارش، نماینده امین بیش و کم با این کلمات تعهد سپرد که «همه چیز قابل قبول است اما وقت می خواهد». عبدالله امین برادر بزرگ حفیظ الله امین به طرفدارانش اظهار داشت: «برای ما واضحاً عاقلانه خواهد بود تا نمونه مصر را پیروی کرده با روس ها همان رویه کنیم که انور سادات کرد.»

کی جی بی هرگونه نشانه نزدیکی و آشتی بین افغانستان و ایران، اثر انقلاب آیت الله های ایران بر افغانستان و تأسیس رژیم اسلامی در افغانستان را بصورت خاص خطرناک می دانست.

امین خود را به ستالین مقایسه می کرد و در مورد نقش ستالین در تاسیس و استحکام سیستم سوسیالیستی در اتحاد شوروی سخن می گفت. در عین زمان اقامتگاه کی جی بی از بی تفاوتی امین هنگام دیدارش با ب.س. ایوانوف در برابر نتایج پلنوم ماه دسمبر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و نظرات داده شده توسط برژنف خشم خود را ابراز داشت. کمتر انعکاسی در مورد این پلنوم در مطبوعات افغانستان دیده می شد.

معتادان قدرت تصمیم گرفتند تا به اقدام قاطع دست زنند. در اواخر ماه اکتوبر ملاقات هایی در بخش های مختلف ریاست عمومی اول (ریاست عملیات های خارجی) کی جی بی راه افتاد. به افسران کی جی بی گفته شد که وضعیت افغانستان دیگر غیرقابل قبول است و باید آماده بود چون حوادثی که در شرف تکوین بودند دست اندرکاری شمار زیادی از افسران کی جی بی را التزام می کردند. گروه های عملیاتی ایجاد شد و ریاست ارکانی مشتمل بر بلند پایه گان ریاست عمومی اول کی جی بی تاسیس گردید. همه چیز به تهاجم نظامی دلالت می کرد.

روز ۲۵ اکتوبر دگرمن ا.و. پتروف<sup>۴</sup> یکی از دستیاران ارشد رئیس شعبه هشتم ریاست عمومی اول کی جی بی به پراگ فرستاده شد تا کار مقدماتی لازم را با ببرک کارمل انجام دهد. نام مستعار کارمل به «مارتوف» مبدل گردید. کارمل زیاد کوشید تا از طریق چکسلواکی ها بر موقف شوروی ها اثر اندازد. وی طی یکی از دیدارهای خود با عضوی از شعبه بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت که در وضعیت کنونی جمهوری دموکراتیک افغانستان نمی شد بیش ازین معطل کرد و منتظر ساعت حرکت قطار نشست چون دست آورد های انقلاب در معرض خطر بود.

حکمرانان آتی افغانستان در ماه نومبر به ماسکو برده شدند. دوتن از چکسلواکیا، سه تن از بلغاریا و دوتای دیگر مخفیانه از یوگوسلاویا انتقال یافتند. آنها با هم یکجا به فراگیری و یادگیری دستور ها و هدایات کی جی بی آغاز کردند. پیشنهاد گردید تا گلاب زوی بصورت غیر قانونی به کابل برده شود تا کار تدارکاتی را سروسامان دهد. افسر عملیاتی ارشوف<sup>۵</sup>، کارمل و سروری این پیشنهاد را با گلاب زوی در میان گذاشتند اما او به دلیل اینکه نظر به دیگران وزنه خیلی کمتر سیاسی داشت شانه خالی کرد و گفت که وطنجار برای اینکار مناسب تر است. موقف گلابزوی را بز دلانه ارزیابی کردند.

بر اساس ماده ۹ مبلغ ۲۷۷۱ روبل از ۲ نومبر تا ۱۲ دسمبر بالای این هفت تن در ماسکو به مصرف رسید. سپس آنها را نزدیک تر به مرز افغانستان منتقل کردند.

نظر رسمی کی جی بی درین مورد طی یادداشت «مهم اخص» که عنوانی برژنف در ماه نومبر صادر گردید بیان شد. چکیده هایی از یادداشت مذکور چنین است:

«پس از تغییرات در رهبری حزب و دولت افغانستان وضعیت درین کشور به سرعت در جهت ضد منافع شوروی رو به وخامت گذاشت. گزارش های فزاینده حاکی از تغییر سیاست خارجی حفیظ الله امین بطرف راست می باشند. افراد امین و نمایندگان مسلمانان دست راستی مخالف کوشش می کنند راه حلی برای منازعه بیابند. امین

خودش چندین بار با کاردار (شارژدافیر) سفارت امریکا دیدار نموده ولی در ملاقات های خود با نمایندگان شوروی هیچگونه اشاره یی به موضوع این دیدار ها ننموده است.

براساس هدایت مستقیم امین آوازه های جعلی در جمهوری دموکراتیک افغانستان گسترش داده می شوند تا اتحاد شوروی را بی اعتبار ساخته و فعالیت مامورین شوروی در افغانستان را مورد شک قرار دهند. اخیراً تبصره های غیر دوستانه در مورد اتحاد شوروی در اسناد و بیانات مامورین بلند رتبه افغانی به گردهمایی های در بسته حزبی و رسمی صورت گرفته است.»

بروز ۸ اکتوبر ۱۹۷۹ گروه رهبران خلقی مشتمل بر گلاب زوی، وطنجار و سروری نامه یی به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشته و در آن تحلیل نقادانه یی در مورد اشتباهات تره کی که به امین اجازه داده بود به قدرت برسد ارائه داشتند. روز ۳۰ اکتوبر کارمل رهبر پرچم نامه خصوصی به برژنف نوشت و در آن شرحی رُک و صریح در مورد وضعیت کشور بدست داد. درین نامه وی از امین بنام «مخنوی افغانی»<sup>۱</sup> یاد کرد و نوشت: «از نام همه اعضای حزب با مسئولیت اعلام می دارم که حزب براساس اصل لنینی شیوه کار، تاکتیک و خط مشی خلاقانه کاملاً آماده است تا وظیفه خود را به سر رسانده و معضله انقلاب ثور، حزب و دولت را بگونه مثبت حل کند. اعضای کلیدی حزب آماده اند تا کمونیست ها، وطنپرستان و همه نیرو های مترقی و دموکراتیک را در افغانستان بسیج و متشکل سازند. تحقق این اهداف با مددگاری برادرانه، کنکاش ها، مشوره ها و پیشنهاد های دوستان شوروی ما میسر خواهد بود.»

اعضای ارشد مهاجرین سیاسی افغانی، کارمل، گلاب زوی، وطنجار، سروری، نور احمد نور، اناهیتا راتب زاد و عبدالوکیل در آغاز ماه نومبر همان سال با کمک کی جی بی در ماسکو با هم دیدار کردند و روی یک خط مشی عمومی سیاسی و برنامه های مشخص براندازی حفیظ الله امین و دودمانش از قدرت کار کردند. کارها همه زیر اثر تعیین کننده توصیه های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که طی ملاقات ها با نمایندگان رهبری شوروی به دوستان افغانی رسانده می شد صورت می گرفت. کارمل و یارانش درک روشنی از اصول سیاست خارجی اتحاد شوروی و ضرورت اتکا بر منابع و امکانات خود شان را داشتند.

رفقای افغانی با اتفاق آرا توافق کردند که رهبری کلی مبارزه برای احیای ح.د.خ.ا. و راست سازی روند انحرافی بازسازی جمهوری دموکراتیک افغانستان بعهده ببرک کارمل باشد. سروری که طرفدار و همکار تره کی بود به مثابه معاونش پیشنهاد گردید.

نکات عمده برنامه عبارت بودند از سرنگونی امین از عرصه سیاسی به زودترین فرصت ممکنه، پایان بخشیدن دائمی به انشعاب در صفوف کمونیستهای افغانی و متحد ساختن آنها در حزبی جدید، دوستی با اتحاد شوروی و مبارزه علیه امپریالیزم.

«بمنظور پیاده سازی این برنامه سیاسی، نیرو های سالم ح.د.خ.ا. قصد دارند با برانداختن رژیم روی قدرت بیابند. کمیته نظامی برای طرح ریزی عملیات سیاسی و نظامی نابودسازی حفیظ الله امین ایجاد گردیده و نقشه های دقیقی را طرح خواهد کرد. دوستان افغانی تصمیم گرفته اند تا عبدالوکیل عضو پیشین کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را به افغانستان بفرستند تا میان حلقات مخفی و هسته مرکزی ارتباط برقرار سازد. سید محمد گلاب زوی وزیر پیشین مخابرات جمهوری دموکراتیک افغانستان بعدتر برای سازمان دهی فی المحل جنبش ضد امین گسیل خواهد شد. همه اعضای دیگر مرکزیت تحت رهبری رفیق ببرک کارمل بزودی به نزدیکی مرز فرستاده خواهند شد تا بتوانند مخفیانه و موثرانه تر کار کنند. مرکزیت قبلاً خطوط کلی برنامه نظامی را که شامل یک عملیات سریع نظامی در پایتخت و امحای فزیک حفیظ الله امین، برادش عبدالله امین و سائر اشخاص خطر ناک می شود ترتیب نمودند.

کی جی بی انکشاف حوادث در جمهوری دموکراتیک افغانستان را از نزدیک مراقبت می کند و برا اساس هدایت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به دوستان افغانی معاونت مادی و تخنیکی یکجا با مشوره ها و پیشنهادات در مسائلی ارائه می کند که در جریان کار تبارز می نمایند.

<sup>۱</sup> نستور ایوانوویچ مخنو Nestor Ivanovich Makhno انارشویست اوکرائینی که در جریان جنگ داخلی روسیه در اوکراین فعالیت داشت (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

با در نظر داشت این همه به مصلحت اتحاد شوروی پنداشته می شود تا ضمن اتخاذ و مراعات تدابیر لازم پنهان کاری به نیرو های سالم ح.د.خ.ا. کمک های لازم مادی و پشتیبانی های مختلف در جهت تسهیل اجرای برنامه شان ارائه دارد.»

گردونه به چرخش افتاد ...

ادامه دارد ....

### سخنی با خواننده

#### **پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»**

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که در پیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمتر تلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املائی نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بیشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استنشام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که

- درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی [kgbdariproject@yahoo.ca](mailto:kgbdariproject@yahoo.ca)
- در اكمال و بیشتر مؤثق ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسال آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.
- درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:
- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجننت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)